



Why Shiite narrations of the Holy Prophet in "four books" are mursal (munqati') *

Ali Farahmandian ¹

Abstract

The hadiths of the Prophet (PBUH) have been recorded in various forms in the four books (. One of these types of documents is that a non-infallible and non-contemporary Shiite narrator narrates a hadith from him; this type of hadith is called "Mursal". The necessity of researching such isnad is due to the fact that examining and analyzing the reason for this kind of isnad leads to gaining confidence in some of the Mursal hadiths and preparing the responding to the doubt of the Shiites' lack of attention to the cohesion of the isnad. The mission of the present study is to discover why the Shiites have quoted the hadiths of the Prophet (PBUH) in the four books as a mursal (munqati') and its purpose is to provide an analysis of why these hadiths were mursal (lacking the mention of the first narrator). Laying the groundwork for achieving some works of science of tradition, such as the methodology of earlier narrators and the validation of narration documents, is one of the benefits of this article. This article has been able to reveal the reason of Shiite narrations from the Holy Prophet (PBUH) in "four books" as mursal by examining the class of narrators and examining the subject and content of the narrations and presenting nine reasons and analyzing it. The verification of the text and the non-jurisprudential nature of the narration by the authors of the four books, mentioning the document in other books of the author, trusting the book of the first narrator, etc. are the results of this research.

Keywords: Prophetic Hadiths, Mursal hadith, Shiite Narrators, Validation of Narrations, Documentary Studies.

*. **Date of receiving:** 6 March 2020, **Date of approval:** 5 July 2020.

1. lecturer and member of the Department of Hadith Sciences, Quran and Hadith Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom: farahmandianali@gmail.com.



چرایی ارسال اسناد شیعی روایات پیامبر ﷺ در کتب اربعه*

علی فرهمندیان^۱

چکیده

اسناد احادیث پیامبر ﷺ در کتب اربعه، به شکل‌های گوناگونی ثبت شده است. یکی از این گونه‌ها، اسنادی است که راوی شیعی غیر معصوم و غیر معاصر آن حضرت، از ایشان حدیثی نقل کند؛ این نوع از احادیث، «مرسل» نام دارند. ضرورت پژوهش در این گونه اسناد بدین سبب است که بررسی و تحلیل چرایی ارسال موجب اعتماد پیدا کردن به برخی از احادیث مرسل می‌شود و زمینه‌ساز برای پاسخ‌گویی به شبهه کم‌توجهی شیعه به اتصال سند است. مأموریت پژوهش حاضر، کشف چرایی اسناد مرسل شیعی احادیث پیامبر ﷺ در کتب اربعه و هدف آن، ارائه تحلیلی از چرایی ارسال این اسناد می‌باشد. بسترسازی برای رسیدن به برخی آثار علم‌الحدیثی مانند روش‌شناسی محدثان متقدم و اعتبارسنجی اسناد روایات از فواید این مقاله به حساب می‌آید. این مقاله توانسته با بررسی طبقه روات، موضوع و محتوای روایات و ارائه نُه دلیل و تحلیل آن، از چرایی ارسال اسناد شیعی روایات پیامبر ﷺ پرده‌برداری کند؛ احراز صحت متن و غیرفقهی بودن روایت نزد صاحبان کتب اربعه، ذکر سند در کتب دیگر مؤلف، اعتماد به کتاب راوی اول و... از نتایج این تحقیق است.

واژگان کلیدی: احادیث نبوی، حدیث مرسل، راویان شیعه، اعتبارسنجی روایات، سندشناسی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه، مدرس گروه علوم حدیث، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفی العالمية، قم:

farahmandianali@gmail.com



مقدمه

کتب اربعه بیش از ۴۱۰۰۰ حدیث در خود ثبت کرده^[۱] و از حیث سند، دارای گونه‌های مختلفی است. تعدادی از این روایات از رسول گرامی اسلام ﷺ صادر شده است. شیعیان و سنیان، راویان احادیث آن حضرت هستند. در اسناد شیعه، امامان معصوم^(ع) و صحابه پیامبر^(ع) و اصحاب ائمه^(ع) از رسول خدا روایت نقل می‌کنند. در اعتقاد شیعه، روایت امام معصوم از آن حضرت، هر چند هم‌عصر نباشند، حجت است؛ اما حکایت حدیث رسول‌الله ﷺ از جانب اصحاب ائمه که معاصر آن حضرت نیستند، سند را دچار خلل می‌کند و در حجت آن تردید ایجاد می‌شود. این نوع از سند به «سند مرسل» معروف است.^[۲] در کتب اربعه، ۴۴ سند شیعی غیر معاصر پیامبر^(ع)، سخنان آن حضرت را نقل کرده‌اند. البته منظور از شیعی بودن سند در این تحقیق، این است که همه راویان یک سند و یا حداقل راوی اول که ناقل مستقیم سخن پیامبر^(ع) است، شیعه باشد.

اعتبار و یا عدم اعتبار احادیث مرسل، به شناخت فلسفه ارسال در تک‌تک روایات بستگی دارد و چه بسا روایتی که تاکنون ضعیف شمرده شده، با پیگیری و پاسخ به چرایی ارسال سند آن، به حدیث قابل اعتماد تبدیل گردد. همچنین محدثان شیعه متهم به رویگردانی از اتصال سند احادیث پیامبر^(ع) هستند (منهاج السنة النبویه، ابن تیمیّه، ۱۴۰۶: ۲۴/۷)^[۳] که لازمه جواب به آن، تحلیل و علت‌یابی ارسال احادیث است. برای پاسخ به این دغدغه، مؤلفه‌هایی مانند توجه به اسناد احادیث، توصیف و طبقه‌بندی روایان، موضوع روایات، توجه به محتوای حدیث و قراین تاریخی را باید در نظر گرفت. مباحث پیش‌رو با در نظر گرفتن همه شاخصه‌های ذکر شده، به تحلیل چرایی ارسال اسناد احادیث پیامبر^(ع) در کتب اربعه پرداخته است. هدف از این پژوهش، علت‌یابی ارسال اسناد شیعی روایات پیامبر^(ع) در کتب اربعه است. از فواید این موضوع، روش‌شناسی صاحبان کتب اربعه در نقل احادیث و اعتبارسنجی اسناد است. هر چند مقاله یا کتابی به صورت مستقل با رویکرد پاسخ به چرایی ارسال اسناد احادیث نبوی نوشته نشده، اما کتاب «بررسی اعتبار احادیث مرسل» از محمدحسن ربانی، به‌نوعی علت‌یابی در چرایی ارسال احادیث مرسل پرداخته که تحلیل و فرضیه‌های مقاله حاضر به‌جز دو مورد، با آن متفاوت است. لازم به ذکر است محدوده پژوهش پیش‌رو اسناد منقطع شیعی می‌باشد. این پژوهش ارسال اسناد شیعی از ناحیه سه عامل «صاحبان کتب اربعه»، «راوی اول متصل به پیامبر^(ع)» و «عامل‌های خارجی» بررسی می‌کند.



الف) ارسال اسناد توسط صاحبان کتب اربعه

بررسی مرسلات اسناد احادیث پیامبر ﷺ در کتب اربعه و شناخت راویان این اسناد و محتوای روایات نشان می‌دهد، گاهی ارسال در سند از سوی صاحبان کتب اربعه است. این کار علت‌های متفاوتی دارد که عبارت‌اند از:

۱. اعتماد به کتابِ راویِ احادیث پیامبر ﷺ^[۴]

یکی از روش‌های محدثان متقدم در قبول یا ردّ حدیث، بر اساس منبع مکتوب بوده است. این روش سبب می‌شد محدثان گذشته برای انتخاب حدیث، به منابعی که از اساتید و مشایخ خود دریافت و یا استتساخ کرده‌اند، رجوع کنند و کتاب حدیثی خود را بنگارند (روضه المتقین، مجلسی محمدتقی، ۱۴۰۶: ۲۳۹/۱۴). این سبک، در نگارش صاحبان کتب اربعه نیز مشهود است.^[۵] موضوعیت یافتن کتاب در نقل و ارزیابی حدیث را باید در فرهنگ حدیثی شیعه جستجو کرد (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۵۳؛ الغیبة (طوسی)، ۳۹۰؛ رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۴۷). هم‌چنین ارزیابی مجموعه‌های مکتوب در کتب فهرست و رجال دلیل دیگر فرهنگ انتقال از راه کتاب است. به همین دلیل در بین علمای شیعه فهرست نویسی در حد وسیع دیده می‌شود (معیار اعتبارسنجی روایات از منظر قدما، شاه‌حسینی، ۱۳۸۹: ۲۰۴).

در اسناد شیعی و منقطع روایات پیامبر ﷺ، ۳۵ راوی مستقیم حدیث آن حضرت، صاحب کتاب و اصل هستند^[۶] که آثار آنان در کتب فهرست گزارش شده است.

شیوه بیان اسناد روایات پیامبر ﷺ، دو گونه احتمال دارد:

اول: صاحب کتاب، مشایخ خود را در نقل روایت پیامبر ﷺ ذکر نکرده و به تبع، کتب اربعه نیز سند را فقط تا صاحب کتاب پیش برده‌اند.

دوم: صاحب کتاب، مشایخ خود را تا پیامبر ﷺ ذکر کرده، اما نویسندگان کتب اربعه به دلیل اعتماد به صاحب کتاب، معروف بودن منبع (من لایحضره الفقیه، ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۱) و جلوگیری از طولانی شدن سند از ذکر راویان بعدی خودداری کرده‌اند.

دلیل این دو تصور، تصریح به کلمه «رفعه» یا «باسناده» در بعضی اسناد و عدم تصریح به این کلمات در اسناد دیگر است؛ یعنی سندی که تصریح به کلمه «رفعه» یا «باسناده» شده، دلیل وجود روایانی بوده که نویسنده کتاب آن را ذکر کرده، اما صاحبان کتب اربعه نیاورده‌اند. به همین دلیل شهید اول سندی که در آن «رفعه» ذکر شده، مسند می‌داند (غایة المراد فی شرح نکت الارشاد، شهید ثانی، ۱۴۲۰: ۵۲۰/۳).^[۷] از مجموع ۳۵ راوی صاحب کتاب، ۲۲ راوی با کلمه «رفعه» و یک راوی با واژه



«باسناده» به پیامبر ﷺ متصل می‌شوند.^[۸] سندی که تصریح به کلمه «رفع» یا «باسناده» نشده، دلیل بر عدم ذکر طریق از خود نویسنده کتاب است که ۱۶ راوی از این ویژگی برخوردارند.^[۹] بنابراین آنچه در این دو تصور مشترک است، اعتماد صاحبان کتب اربعه به کتاب راوی است.

۲. ذکر سند در کتب یا روایات دیگر

با جستجو در سایر کتاب‌های صاحبان کتب اربعه و یا تفحص در دیگر روایات، علل دیگری از انگیزه حذف راویان یک سند به دست می‌آید که عبارت‌اند از:

الف: گاهی صاحبان کتب اربعه به دلیل ذکر کردن مشیخه راوی اول^[۱۰] در کتاب دیگر خود، از ذکر مجدد آن در کتاب حاضر خودداری کرده‌اند؛ همان‌گونه که شیخ طوسی در کتاب الاستبصار روایت جابر بن یزید از پیامبر ﷺ را بدون واسطه ذکر می‌کند (الاستبصار، طوسی، ۱۳۹۰: ۴۷۱/۱، ح ۱۸۱۹)، اما همین روایت در کتاب التهذیب به واسطه امام باقر (علیه السلام) نقل شده است (التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۱۹۰/۳، ح ۴۳۴). بنابراین با توجه به انگیزه شیخ از تألیف کتاب الاستبصار^[۱۱] و تألیف آن بعد از کتاب التهذیب، نیازی به ذکر همه اسناد و یا همه راویان یک سند نیست.

ب: صاحبان کتب اربعه با توجه به روایات دیگر راوی اول و مشهور بودن مشایخ راوی اول، سند را ناقص بیان کرده‌اند؛ برای نمونه، طریق الکافی به عمرو بن جمیع (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: کلینی، ۱۳۶۵: ۳۰۰/۶، ح ۵) که همه روایت‌های او از پیامبر ﷺ در این کتاب از طریق امام صادق (علیه السلام) است (همان، ۸۳/۲، ۸۷، ۱۱۴، ۲۳۳، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۶۷، ۶۰۴، ۳۶۹/۳؛ ۵۰۴، ۳۴/۵، ۷۲، ۱۴۷، ۳۲۵، ۵۶۹؛ ۲۹۷/۶، ۳۰۰، ۵۳۹)، قرینه‌ای است بر این‌که روایت مستقیم او از نبی اکرم ﷺ نیز به واسطه امام صادق (علیه السلام) می‌باشد که صاحب الکافی آن را ذکر نکرده است. همچنین با توجه به اینکه همه روایت‌های عبدالله بن سنان که از امام صادق (علیه السلام) است، (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: کلینی، ۱۳۶۵: ۱۲/۱، ۵۱، ۲۵، ۱۰۳، ۱۱۴، ۶۵/۲، ۹۰، ۹۲ و...) فهمیده می‌شود روایت مستقیم او از پیامبر اکرم ﷺ درباره شرار النساء (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: کلینی، ۱۳۶۵: ۳۲۶/۵) نیز از طریق ایشان است و شیخ کلینی به خاطر مشهور بودن ابن سنان در نقل روایت امام صادق (علیه السلام)، سند را منقطع آورده است.

۳. متن محور بودن صاحبان کتب اربعه

یکی دیگر از چرایی ارسال، توجه به مبانی صاحبان کتب اربعه در اخذ حدیث است که علاوه بر نگاه آنان به سند حدیث، توجه غالب ایشان به متن روایات بوده است که نقل حدیث در کتب خود یا با نظر گرفتن قرائنی مانند مطابق بودن متن با قرآن و یا هم مضمون بودن با احادیث متواتر و قطعی و...

صورت گرفته است؛ یا توجه آنان به موضوع حدیث بوده که اکثر موضوعات روایات مرسل در مواردی است که توجه نکردن به سند آنها خللی به اصل و ضروریات دین و مذهب نداشته است. در پژوهشی که نگارنده درباره موضوع شناسی روایات پیامبر ﷺ که راویان شیعه آن را نقل کرده اند، انجام داده،^[۱۲] به این نتیجه رسیده که این روایات، بیشتر در موضوعات آداب و اخلاق است و کمتر به باب های فقهی (احکام تکلیفی) نظر دارد و هیچ کدام از احادیث، در کتاب ها و باب های عقایدی جای نگرفته اند.^[۱۳] این تحقیق نشان می دهد محدثان متقدم، ذکر کامل سند در روایات غیر فقهی و غیر اعتقادی را ضروری نمی دانستند (الرعاية فی علم الدراية، شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۹۴).^[۱۴] بنابراین، اکثر روایات مرسلی که در کتب اربعه توسط راویان شیعه از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده، در این محور جای می گیرد.

۴. وجود اصحاب اجماع یا مشایخ ثقات در سند

برخی از منابع رجالی شیعه نشان می دهد که تعدادی از محدثان شیعی در شناخت احادیث، متبخر و کارآمد بودند تا جایی که اهل بیت (علیهم السلام) شیعیان را به آنها ارجاع می دادند؛ این طیف از راویان به اصحاب اجماع لقب گرفته اند (رجال الکشی، کشی، ۱۳۴۸: ۳۷۵/۱). هم چنین در برخی از کتب شیعه به راویانی^[۱۵] اشاره می شود و چنین ادعا شده که آنها فقط از ثقه روایت نقل می کنند. بنابراین اگر روایتی را مرسل نقل کردند، می توان مطمئن شد که در سلسله سند آنها غیر ثقه وجود نداشته است. این گروه به مشایخ ثقات معروف شده اند (العدة فی أصول الفقه، طوسی، ۱۴۱۷: ۱۵۴/۱). این احتمال وجود دارد که صاحبان کتب اربعه در نقل سند، وقتی به اصحاب اجماع و یا مشایخ ثقات رسیده اند، با اعتماد به این گروه از راویان، سند را ادامه نداده اند و یا نهایتاً به راوی بعد از اصحاب اجماع بسنده کرده اند. برای نمونه در بین راویان احادیث پیامبر ﷺ، محمد بن ابی عمیر (الكافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۴۳۸/۷) (از مشایخ ثقات و اصحاب اجماع) و عبدالله بن مسکان (همان، ۴۰۸) (از اصحاب اجماع) به چشم می خورد. همچنین در سند «علی عن ابيه عن عبد الله بن المغيرة عن عمرو بن أبي المقدم رفعه إلى النبي ﷺ قال:...»، (الكافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۱۳۶۵: ۱۱۹/۲، ح ۷) عبدالله بن المغيرة (رجال الکشی، کشی، ۱۳۴۸: ۵۵۶) از اصحاب اجماع است و مرحوم کلینی بعد از ذکر مشیخه او (عمرو بن ابی المقدم) از ذکر ادامه سند خودداری کرده است. و نیز در سند «علی بن ابراهیم عن ابيه عن حماد عن حریز رفعه قال: إن رسول الله ﷺ...» (الكافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۳۳۶/۴، ح ۵) حماد بن عیسی از اصحاب اجماع (رجال الکشی، کشی، ۱۳۴۸: ۳۷۵) است و کتاب الکافی بعد از ذکر مشیخه او (حریز)، ادامه سند را نمی آورد.



بنابراین، اعتماد به کتاب راوی اول، توجه به اسناد روایات دیگر هم‌مضمون در همان کتاب یا کتب دیگر نویسنده، قراین صحت متن و اعتماد به اصحاب اجماع و مشایخ ثقات می‌تواند از علت‌های ارسال توسط صاحبان کتب اربعه باشد.

ب) ارسال اسناد از جانب راوی اول

بررسی محتوای روایات رسول اکرم ﷺ نشان می‌دهد، برخی ارسال‌ها در سند از سوی راویان اول صورت گرفته است که به نظر می‌رسد هدف و علت ارسال از ناحیه آنان، موارد ذیل باشد:

۱. ناظر بودن متون روایت‌های مرسل بر فعل پیامبر ﷺ

در بررسی انجام‌شده، همه روایت‌هایی که ناظر بر فعل پیامبر است، انقطاع سندی دارند. احتمال می‌رود، راویان به جای این‌که فعل پیامبر ﷺ را از طریق مشایخ خود یا امام معصوم ﷺ نقل کنند، مستقیماً و بدون ذکر واسطه جریان اتفاق افتاده در زمان پیغمبر را نقل کرده باشند. ممکن است این نوع بیان راویان، بیشتر در مقام خطابه و یا آوردن شاهد و مؤید مطلب باشد. به عبارت دیگر، راوی اول موضوعی را برای شاگردان خود بیان می‌کرده و روایت‌هایی را در رابطه با همان موضوع بازگو می‌نموده و برای تأیید و یا شاهد، به نقل فعل پیامبر ﷺ بدون ذکر واسطه پرداخته است و شاگرد نیز با همان بیان، از استاد خود نقل کرده تا به صاحبان کتب اربعه رسیده است.

راویانی^[۱۶] که فعل پیامبر ﷺ را نقل کرده‌اند، عبارت‌اند از: عبدالعظیم حسنی (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۶۶۱/۲، ح ۱)، یعقوب بن شعیب (همان، ۳۷۸/۵، ح ۶)، عنبسة بن بجاد (همان، ۹۱/۴، ح ۷)، حریر بن عبدالله سجستانی (همان، ۳۳۶/۴، ح ۵)، احمد بن محمد السیاری (همان، ۳۷۱/۶، ح ۶)، علی بن ابراهیم (همان، ۱۵۱/۳، ح ۴)؛ التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۲۹۰/۱، ح ۶۴۱)، جابر بن یزید الجعفی (الاستبصار، طوسی، ۱۳۹۰: ۴۷۱/۱، ح ۱۸۱۹)، ربیع بن عبدالله الجارود (من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۶۹/۳، ح ۴۳۳۴)، عقبه بن خالد (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۲۹۵/۵، ح ۴)؛ التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۱۴۴/۷، ح ۶۴۱)، احمد بن الحسن المیثمی (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۲۹۳/۶، ح ۸) و محمد بن مسلم (ر.ک: همان، ۳۲۷/۶، ح ۹).

۲. بیان سبب صدور روایت

محتوای روایت برخی راویان در نقل روایت پیامبر ﷺ، بیان سبب صدور است. «سبب ورود حدیث، یعنی زمینه‌ای که موجب گشته است تا معصوم سخن بگوید و حکمی را بیان و مسئله‌ای را طرح یا ردّ و انکار کند و یا حتی کاری را انجام دهد» (درس‌نامه فهم حدیث، مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۱۳).



ممکن است راوی اول (راوی متصل به پیامبر ﷺ) در مقام بیان احادیثی که محتوای بیان سبب صدور دارند، لزومی در ذکر سند کامل ندیده‌اند. گفتنی است، تمام راویانی که سبب صدور روایت را نقل می‌کنند صاحب کتاب‌اند که این نیز دلیلی مضاعف بر ذکر نکردن مشایخ راوی است. زیرا گذشت که پذیرش کتاب یک راوی نزد محدثان متقدم در نظام ارزیابی مجموعی، شامل همه روایات (مسند و مرسل) آن کتاب است. مانند احادیثی که راویان ذیل نقل کرده‌اند: از: اسماعیل بن عبدالحق (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۵۵۱/۲، ح ۳)، معاویة بن عمار (همان، ۲۲۶/۴، ح ۴ و ۲۵۸، ح ۲۵)، یعقوب بن شعیب (همان، ۳۷۸/۵، ح ۶)، احمد بن محمد بن خالد (همان، ۵۳۴/۵، ح ۲)، محمد بن خالد (همان، ۵۶۸/۵، ح ۵۲)، محمد بن ابی عمیر (همان، ۴۳۸/۷، ح ۱)، معاویة بن وهب (همان، ۴۰۰/۷، باب النوادر، ح ۱)، سماعة بن مهران (التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۷، ح ۳۴۲، ح ۱۳۹۷)، نضر بن سوید من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۷/۳، ح ۱۷۴۵)، حمزة بن حرمان (من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۸۲/۳، ح ۱) سند این روایت در مشیخه ذکر شده است؛ ر.ک: ۵۱۲/۴، و جابر بن یزید الجعفی (الاستبصار، طوسی، ۱۳۹۰: ۴۷۱/۱، ح ۱۸۱۹).

البته ممکن است ارسال به علت بیان سبب صدور از ناحیه صاحبان کتب اربعه یا دیگر راویان موجود در سند صورت گرفته باشد که این موارد غالباً با قرینه‌ای همچون ذکر کلمه «رفعه» نشان داده شده است. مانند احادیثی که از راویانی مانند یحیی ابی البلاد (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۱۴۶/۲، ح ۱۰)، حریز بن عبدالله السجستانی (همان، ۳۳۶/۴، ح ۵)، عبدالرحمن بن الحجاج (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۵۰۵/۵، ح ۳)، محمد بن یحیی العطار (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۵۶۴/۵، ح ۳۶) نقل شده است.

۳. اقتضای فضای حاکم

ممکن است راوی اول به دلیل شرایطی که حاکم بر فضای مجلس بوده، واسطه را ذکر نکرده است. فضای حاکم به دو صورت «سیاسی» و «غیر سیاسی» و به عبارت دیگر از ناحیه عوامل «حکومتی» و «غیر حکومتی» تقسیم می‌شود.

فضای حاکم از ناحیه عوامل حکومتی را می‌توان این‌گونه تصور کرد: راوی اول از ترس آسیب رساندن حاکمیت ضد شیعی وقت، از ذکر واسطه خودداری و تقیه کرده است. مصداق روشن عامل حکومتی، دوره منع تدوین و نقل حدیث است. هر چند شیعه، دستور منع را قانونی لازم‌الاجرا ندید، بی‌شک از آسیب‌های آن در امان نماند. یکی از ضررهای این پدیده شوم، دسترسی کمتر به روایات پیامبر ﷺ از طریق اصحاب شیعی است. طبقه‌شناسی راویان موجود در اسناد شیعی و منقطع روایات پیامبر ﷺ نشان می‌دهد، بیشتر راویانی که مستقیماً از آن حضرت حدیث نقل کرده‌اند، در طبقه امام صادق (علیه السلام) و یا پیش



از ایشان است. از مجموع ۴۴ روای احادیث رسول خدا ﷺ در کتب اربعه، ۳۰ روای هم‌عصر و یا پیش از امام صادق (ع) می‌زیستند.^[۱۷] عصر امام باقر (ع) با پایان دوره منع نقل و تدوین حدیث مصادف است؛ از این رو ممکن است قانون منع نقل و تدوین حدیث، در عدم ذکر یا ذکر کامل سند از سوی روایان، اثر داشته است. همچنین چهارده روای دیگری که بعد از عصر امام صادق (ع) می‌زیستند از خفقان حکومتی بیشتری برخوردار بودند که احتمال تقیه و ارسال اسناد را در پی داشته است.

گاهی روایان در فضای خطابه و یا ذکر حدیث به سبب عوامل غیر حکومتی، سند حدیث را ذکر نکرده‌اند؛ برای نمونه به دو احتمال ذیل توجه شود:

اول: مخاطبان حاضر در مجلس، این روایت را پیش‌تر از طرق گوناگون شنیده‌اند و حکایتِ روای اول از باب تذکر و یادآوری است و ذکر روایان واسطه را لازم نمی‌داند.

دوم: روای اول، روایت را از واسطه فاسد المذهب شنیده و با دسترسی به قراین دیگر، روایت را صحیح دانسته است، اما در آن مجلس اگر اسم او را ذکر کند، در معرض اتهام «نقل از ضعفا» قرار می‌گیرد و به همین جهت، از ذکر روای واسطه در بیان حدیث نبوی خودداری کرده است.

در هر صورت، صاحبان کتب اربعه با اعتمادی که به روای اول (روای متصل به پیامبر ﷺ) داشته‌اند، روایت را با همان سند منقطعی که به دستشان رسیده، ذکر کرده‌اند؛ از این رو موقعیت روای و تاریخ صدور و نقل روایت را باید شناخت.

بنابراین، سه علت ذکر شده می‌تواند در ارسال سند از جانب روای اول باشد، این علل هرچند به صورت فرضیه ذکر شد اما علت سوم که فضای نقل روایت را از جانب روای اول بیان می‌کند، بیشترین نقش را در ارسال سند دارد که همین امر سبب می‌شود به عنوان یک احتمال به آن نگاه نشود بلکه یکی از علت‌های اصلی ارسال شمرده شود که لازم است پژوهش بیشتری در تحلیل آن انجام گیرد.

ج) عوامل خارجی ارسال اسناد

ارسال اسناد روایات پیامبر ﷺ گاهی عامل‌های خارج از متصدیان کتاب و روایت دارد. عوامل طبیعی یا بشری، عمدی یا غیر عمدی از علت‌های ارسال سند روایت است. در این جا به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. اختلاف نسخ

گاهی سند روایت در نسخه‌ای متصل به معصوم ذکر شده، اما در نسخه دیگر به دلیل اشتباه از سوی نسخه‌نویس، نام معصوم نوشته نشده است که در این صورت، انفصال سند از سوی مؤلف کتاب



نیست؛ همان‌گونه که دربارهٔ طریق «عبدالله بن سنان» این‌گونه است. این طریق، در نسخهٔ الکافی که دارالکتب الاسلامیه چاپ کرده است، راوی مستقیماً از پیامبر ﷺ نقل می‌کند (الکافی کلینی، ۱۳۶۵: ۳۲۶/۵، ح ۲)، اما نسخه‌هایی که مؤسسه دارالحدیث در تصحیح این کتاب استفاده کرده، راوی با واسطهٔ امام صادق علیه السلام از نبی مکرّم اسلام روایت را نقل می‌کند (الکافی، کلینی، ۱۴۲۹، ۵۷۵/۱۰، ح ۹۴۴۳) هم‌چنین روایت معاویه بن عمار از پیامبر اکرم ﷺ درباره «ثواب حج و عمره» (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۲۵۸/۴) در کتاب الوافی به واسطه امام معصوم علیه السلام به آن حضرت متصل می‌شود (الوافی، فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۲۷/۱۲). اما در کتاب مرآة العقول بدون واسطه نقل شده است (مرآة العقول، مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۳۰/۱۷). درحالی که هر دو کتاب از الکافی این حدیث را نقل می‌کنند؛ از این رو احتمال می‌رود نسخهٔ الکافی نزد مرحوم فیض غیر از نسخهٔ علامه مجلسی است.

۲. از بین رفتن اسناد

برخی اسناد ممکن است به سبب عوامل طبیعی، مانند موریانه و رطوبت از بین رفته باشد. این امر موجب می‌شود روای اول و یا شاگردانش، روایات پیامبر ﷺ را از حفظ بیان کنند؛ همان‌گونه که نجاشی دربارهٔ محمد بن ابی عمیر می‌گوید: او توسط هارون الرشید زندانی شد و برای امان ماندن احادیث، آن‌ها را در مکانی پنهان کرد که بر اثر مرور زمان نم کشید و از بین رفت. محمد بن ابی عمیر از حفظ روایت می‌کرد (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۳۲۸). محدثان معتقدند، ابن ابی عمیر از غیر ثقه روایت نقل نمی‌کرد و مرسلات او معتبر است؛ بنابراین ارسال در اسناد روایات محمد بن ابی عمیر به علت فشارهای سیاسی و اتفاقات طبیعی وجود آمده است (بررسی اعتبار احادیث مرسل، محمد حسن ربانی، ۱۳۸۹: ۸۵ و ۲۶۷).

بنابراین اشتباه عمد یا غیر عمد ناسخان در نوشتن احادیث و عوامل طبیعی، دو علت دیگر ارسال برخی از اسناد روایات پیامبر ﷺ است. به نظر می‌رسد با تحلیل بیان‌شده در این بخش، دو علت مذکور، صرفاً یک احتمال نباشد، بلکه ریشه در واقعیت داشته باشد.

بنابراین، ارسال روایات نبی مکرّم اسلام ﷺ از جانب سه گروه صاحبان کتب اربعه، راویان روایت و عوامل خارجی انجام شده است. هرکدام از عوامل، متأثر از علت‌ها و اهدافی بوده‌اند که با توجه به تاریخ حدیث، اسناد، راوی و موضوع روایات پیامبر ﷺ نه علت بیان شد. از مجموع آن‌ها، برخی علت‌ها از قوت بیشتری برخوردارند که عبارت‌اند از مواردی که از جانب صاحبان کتب اربعه و عوامل خارجی ایجاد شده است. در بین همهٔ علت‌ها، اعتماد به راوی صاحب کتاب، قوی‌ترین و مهم‌ترین دلیل ارسال احادیث پیامبر ﷺ است.



نتیجه‌گیری

- ۱- با بررسی‌های به‌عمل‌آمده، سه عامل در چرایی ارسال اسناد نقش داشته‌اند که عبارت‌اند از: صاحبان کتب اربعه، راوی اول روایت پیامبر ﷺ و عوامل خارجی طبیعی و غیر طبیعی.
- ۲- نزد علمای قدیم، کتاب راوی شیعی از اعتماد قابل توجهی برخوردار است و پیش‌بردن سند تا راوی صاحب کتاب از روش‌های محدثان متقدم است. صاحبان کتب اربعه نیز از این شیوه در ذکر سند حدیث پیامبر ﷺ استفاده کرده‌اند. اعتماد به کتاب راوی، از مهم‌ترین دلایل ارسال اسناد است.
- ۳- به‌نظر می‌رسد علمای متقدم، بررسی اسناد و ذکر کامل سند حدیث در موضوعات غیر فقهی و غیر اعتقادی را ضروری نمی‌دانستند؛ بلکه هم‌مضمونی محتوای احادیث مرسل با سایر احادیث شیعه، در نقل این‌گونه روایات کافی بوده است.
- ۴- بعضی از روایت‌هایی که گزارش از فعل پیامبر ﷺ می‌دهد و یا محتوای آن بیان‌گر سبب صدور حدیث است، دارای ارسال سند می‌باشد؛ به‌نظر می‌رسد راویان، در مقام خطابه و یا استشهاد از این‌گونه روایات استفاده کرده‌اند.
- ۵- وقایع تاریخی مانند دوره منع نقل و تدوین حدیث و یا اقدامات سیاسی و ضد شیعی، از دلایل اثرگذار در ارسال اسناد است.
- ۶- اشتباه عمدی و یا غیر عمدی ناسخان کتب اربعه می‌تواند در چرایی ارسال سند دخیل باشد.
- ۷- عوامل طبیعی و مشکلات استنساخ و خطاهای انسانی یکی دیگر از علل ارسال سند است.
- ۸- برای سنجش اعتبار روایت، اعتماد کامل به راوی لازم نیست بلکه می‌توان با قرائنی دیگر نیز به صحت روایت، دست یافت.
- ۹- برخی سندها، چند فرض از چرایی ارسال اسناد را دارا بودند که ممکن است همه یا برخی از آنها، مدنظر صاحبان کتب اربعه در آوردن اسناد منقطع بوده است.
- ۱۰- هرکدام از نه علت مذکور می‌تواند پاسخ به شبهه کم‌توجهی شیعه به اسناد روایات پیامبر ﷺ باشد.

پی نوشت‌ها

- [۱] آماری که در این مقاله ارائه می‌شود، به کمک نرم‌افزار «درایة النور» است.
- [۲] المرسل ما رواه عن المعصوم من لم یدرکه بغير واسطة، أو بواسطة نسیها أو ترکها. و قد یسمى منقطعاً و مقطوعاً یاسقاط واحد، و معضلاً یاسقاط أكثر (ذکرى الشيعة في أحكام الشريعة، شهيد اول، ۱۴۱۹: ۴۸/۱).
- [۳] همچنين برای مطالعه بیشتر به مقاله «نقد پنداره رویگردانی محدثان شیعه از اسناد»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۲۷، صفحه ۱۳۱ رجوع شود.
- [۴] لازم به ذکر است، هرکدام از علل مذکور در مقاله حاضر یک فرضیه بوده و به صورت اجمالی بیان شده است. خود به تنهایی می‌تواند موضوع یک مقاله پژوهشی باشد.
- [۵] برای نمونه، شیخ صدوق در مقدمه کتاب من لایحضره الفقیه می‌نویسد: «تمامی آنچه در این کتاب ذکر شده، از اصول مشهور و معروفی دریافت شده که مورد اعتمادند» (من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۱).
- [۶] راویان مستقیم ناقل روایت پیامبر را در کتب اربعه که صاحب کتابند، عبارتند از: محمد بن جمهور (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۴۱۳)، یحیی بن عمران (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۱)، عمرو بن ابی المقدم (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۹۰)، عبیدالله بن ولید (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۱)، اسماعیل بن عبدالخالق (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۳۴)، عبدالعظیم بن عبدالله (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۲۴۷)، عنبسة بن بجداد (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۳۴۵)، معاویة بن عمار (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۱۱)، حریز بن عبدالله (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۱۶۲)، عبدالله بن سنان (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۱۴)، یعقوب بن شعیب (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۵۰)، عبدالرحمن بن حجاج (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۳۱۰)، احمد بن محمد بن خالد (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، طوسی، بی‌تا، ۵۲)، محمد بن خالد البرقی (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۵)، محمد بن ابی عمیر (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۴۰۵)، عمرو بن شمر (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۸۷)، احمد بن حسن المیثمی (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۵۵)، محمد بن مسلم الثقفی (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۲۳-۳۲۴)، حسن بن راشد (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۱۳۷)، معاویة بن وهب (رجال نجاشی، ۴۱۲)، عبدالله بن مسکان (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۱۵).



عبدالله بن طلحه (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۲۴)، علی بن اسباط (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۳)، سماعة بن مهران (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۹۳)، نضر بن سوید (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۵۰)، حمزة بن حمران (فهرست الطوسی، طوسی، بی تا، ۱۴۶)، عبدالله بن محمد بن الحجال (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۳۶۰)، سهل بن زیاد (فهرست الطوسی، طوسی، بی تا، ۲۲۸)، احمد بن محمد بن السیاری (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۸۰)، علی بن ابراهیم (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۰)، محمد بن یحیی العطار (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۵۳)، اسماعیل بن زیاد السکونی (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶)، جابر بن یزید الجعفی (فهرست الطوسی، طوسی، بی تا، ۱۱۶)، ربیع بن عبدالله الجارود (فهرست الطوسی، طوسی، بی تا، ۱۹۵) و عقبه بن خالد (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۹۹).

[۷] برخی سندی که تصریح به واژه «رفع» شده، مرسل به معنی عام دانسته‌اند. توضیح اینکه، راوی صاحب کتاب نیز سند را به صورت مرسل ذکر کرده است. (ر.ک: مقباس الهدایه، مامقانی، ۱۳۵۳: ۲۰۷/۱). برای مطالعه بیشتر درباره کلمه «رفع» به کتاب بررسی اعتبار احادیث مرسل صفحات ۵۳-۴۱ مراجعه شود.

[۸] راویان صاحب کتاب که با کلمه «رفع» به پیامبر متصل می‌شوند، عبارتند از: محمد بن جمهور (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۵۴/۱، ح ۲)، یحیی بن عمران الحلبي (همان، ۱۱۴/۲، ح ۷)، عمرو بن ابی القدام (همان، ۱۱۹/۲، ح ۷)، عبيدالله بن ولید (همان، ۵۱۷/۲، ح ۲)، حریر بن عبدالله (همان، ۳۳۶/۴، ح ۵)، عبدالعظیم بن عبدالله (همان، ۶۶۱/۲، ح ۱)، عبدالرحمن بن حجاج (همان، ۵۰۵/۵، ح ۳)، محمد بن خالد البرقی (همان، ۵۶۸/۵، ح ۵۲)، محمد بن ابی عمیر (همان، ۴۳۸/۷، ح ۱)، عمرو بن شمر (همان، ۲۶۸/۶، ح ۱)، احمد بن حسن المیثمی (همان، ۲۹۳/۶، ح ۸)، احمد بن محمد السیاری (همان، ۳۷۱/۶، ح ۶)، عبدالله بن مسکان (همان، ۴۰۸/۷، ح ۳)، عبدالله بن طلحه (همان، ۲۷۲/۸، ح ۴۰۳)، احمد بن محمد بن خالد (همان، ۵۳۴/۵، ح ۲)، نضر بن سوید (من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۷/۳، ح ۳۲۴۵)، عبدالله بن محمد الحجال (الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۴۱/۱، ح ۸)، محمد بن یحیی (همان، ۵۶۴/۵، ح ۳۶)، سهل بن زیاد (همان، ۱۲/۶، ح ۴)، علی بن ابراهیم عن ابیه (همان، ۱۵۱/۳، ح ۴؛ التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۲۹۰/۱، ح ۱۳)، علی بن اسباط (همان، ۱۵۳/۵، ح ۱۱) و راوی صاحب کتاب که با کلمه «باسناد» به پیامبر متصل می‌شود، حمزة بن حمران (من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۸۲/۳، ح ۴۶۹۷) است.

[۹] راویان صاحب کتاب که بدون کلمه «رفع» یا «باسناد» به پیامبر متصل می‌شوند، عبارتند از: اسماعیل بن عبدالخالق (الكافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۵۵۱/۲، ح ۳)، عنبة بن بجاد (همان، ۹۱/۴، ح ۷)، معاویة بن عمار (همان، ۲۲۶/۴، ح ۴)، عبدالله بن سنان (همان، ۳۲۶/۵، ح ۵)، یعقوب بن شعيب (همان، ۳۷۸/۵، ح ۶)، احمد بن محمد بن خالد (همان، ۵۳۴/۵، ح ۲)، ولید بن صبیح (همان، ۵۵۴/۵، ح ۲)، عمرو بن جمیع (همان، ۳۰۰/۶، ح ۵)، حسین بن راشد (همان، ۴۹۰/۶، ح ۱)، معاویة بن وهب (همان، ۴۰۰/۷، ح ۱)، سماعة بن مهران (التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۳۴۲/۷، ح ۲۸)، اسماعیل بن ابی‌زیاد السکونی (الكافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۴۹۱/۶، ح ۱۵)، جابر بن یزید (همان، ۱۶۳/۲، ح ۲۰)، ربیع بن عبدالله بن الجارود (من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۶۹/۳، ح ۴۶۳۴) و عقبه بن خالد (الكافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۲۹۵/۵، ح ۴؛ التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۱۴۴/۷).

[۱۰] منظور راوی است که در سند منقطع، حدیث پیامبر ﷺ را مستقیماً و بدون ذکر واسطه نقل کرده است.

[۱۱] درخواست علماء مبنی بر نگارش کتاب دیگری که تا در آن احادیث و روایات مخالف را جمع آوری کرده و به بررسی و جمع میان آنها و یا تعیین روایات معتبر پرداخته شود. (ر.ک: الاستبصار، طوسی، ۱۳۹۰: ۲/۱)

[۱۲] ر.ک: پایان نامه «بررسی تحلیلی اسناد روایات پیامبر اکرم ادر کتب اربعه»، مرکز تخصصی

علوم حدیث.

[۱۳] برای مطالعه احادیث پیامبر ا با سند مرسل و شناخت موضوعات آنها به آدرس‌های ذیل

مراجعه کنید:

موضوعات فقهی: الكافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۵۳۴/۵، ح ۲. من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۶۹/۳، ح ۴۶۳۴. التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۳۴۲/۷، ح ۲۸. الكافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۴۰۰/۷، ح ۱. همان/۴۰۸، ح ۳. من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۷/۳، ح ۳۲۴۵. الكافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۲۹۵/۵، ح ۴؛ التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۱۱۴/۷.

موضوعات اخلاقی: التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۳۲۶، ح ۲. همان، ۵۰۵، ح ۳. همان، ۵۵۴، ح ۲. همان، ۵۶۴، ح ۳۶. همان، ۱۰۷/۲، ح ۲. همان/۱۱۴، ح ۷. همان، ۱۱۹، ح ۷. همان، ۱۱۹، ح ۱۰. همان، ۲۶۸/۶، ح ۱.

موضوعات آداب: ر.ک: التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۱۵۱/۳، ح ۴؛ التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۲۹۰/۱، ح ۱۳. الكافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۳۳۶/۴، ح ۵. التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۵۶/۲، ح ۱۰۶. الاستبصار، طوسی، ۱۳۹۰: ۴۷۱/۱، ح ۱۸۱۹. الكافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۳۰۰/۶، ح ۵. همان، ۳۱۸،



ح ۸. همان، ۲۹۳، ح ۸. همان، ۳۷۱، ح ۶. همان، ۴۸۲، ح ۱۲. همان، ۴۹۰، ح ۱. همان، ۴۹۱. همان،
ح ۱۲. همان، ۶۶۱/۲، ح ۱. همان، ۵۵۱/۲، ح ۳. همان، ۵۱۲/۲، ح ۲. همان، ۴۸۹/۶، ح ۶.
موضوعات فضایل: ر.ک: الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: کلینی، ۱۳۶۵: ۳۷۸/۵، ح ۶. من لایحضره
القیه، ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۸۲/۳، ح ۴۶۹۷. الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۲۲۶/۴، ح ۴. ر.ک: همان،
۲۵۸، ح ۲۵. همان، ۵۴۸، ح ۴؛ التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۴/۶، ح ۷. همان، ۲۳۶/۲، ح ۲. الکافی،
کلینی، ۱۳۶۵: ۱۸/۶، ح ۳؛ التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۲۱۶/۸، ح ۳.
الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۹۱/۴، ح ۷. همان، ۲۷۲/۸، ح ۴۰۳. همان، ۴۱/۱، ح ۸. همان، ۱۲، ح ۱۱.
همان، ۵۴، ح ۲. همان، ۴۳۸/۷، ح ۱.

[۱۴] همچنین مرحوم نایینی در ذیل تسامح در ادله سنن می‌گوید: مراد از تسامح در ادله سنن اسقاط شرایط حجیت خبر در باب مستحبات یعنی عدم اشتراط عدالت و وثاقت در راوی اخبار مستحبات است. نیز مرحوم صدر به مکروهات نیز تعمیم داده و شیخ انصاری این قاعده را در مورد روایات مواعظ و قصص نیز جاری کرده است (ر.ک: مقاله «تسامح فضائل نگاران در روایات فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام)»، رحمان‌ستایش، ۱۳۹۳: ۱/۱۴).

[۱۵] برای نمونه: محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنی.
[۱۶] منظور روایانی است که در سند منقطع، فعل پیامبر (ص) را مستقیماً و بدون ذکر واسطه نقل کرده‌اند.
[۱۷] روایان روایات رسول خدا که پیش از عصر امام صادق (ع) یا هم‌عصر با آن حضرت می‌زیستند عبارتند از: ابواسحاق السیعی (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۹۶) یحیی بن عمران (خلاصة الاقوال، ۸۲)، عبیدالله بن ولید (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۱)، عبیسه العابد (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۲۶۱)، معاویه بن عمار (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۱۱)، عبدالله بن سنان (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۱۴)، یعقوب بن شعیب (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۵۰)، عبدالرحمن بن حجاج (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۳۱۰)، عمرو بن شمر (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۸۷)، محمد بن مسلم الثقفی (رجال النجاشی، ۳۲۳-۳۲۴)، حسن بن راشد (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۱۳۷)، معاویه بن وهب (رجال نجاشی، ۴۱۲)، عبدالله بن مسکان (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۱۵)، عبدالله بن طلحه (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۲۴)، حمزة بن حمران (فهرست الطوسی، ۱۴۶)، اسماعیل بن زیاد السکونی (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۱۶۰)، جابر بن یزید الجعفی (الفهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۱۱۶)، ربیع بن عبدالله الجارود (فهرست الطوسی، طوسی، بی‌تا، ۱۹۵)، عقبه بن خالد

(رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۹۹)، عنبسة بن سعید (المحاسن، ۱/ ۱۷۱)، ابوالبلاد (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۳۲۱)، ولید بن صبیح الکوفی (رجال النجاشی، ۴۳۱)، قیس بن اسماعیل (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۲۷۲)، عمرو بن ابی مقدم (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۲۴۸)، عمرو بن جمیع (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۲۵۱)، سماعة بن مهران (رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۳۳۱)، یحیی الكاهلی (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۵۰)، حریر بن عبدالله السجستانی (رجال النجاشی، نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۴۵)، عبیدالله العرزمی (التهذیب، طوسی، ۱۳۶۵: ۵۶/۳ و ۴۰) و المعلی ابوشهاب (به قرینه شاگردش، عثمان بن عیسی الکلابی؛ رجال الطوسی، طوسی، ۱۳۸۱: ۳۴۰).



منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة، تحقیق: محمد رشاد سالم، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۳. ربانی، محمدحسن، بررسی اعتبار احادیث مرسل، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
۴. رحمان ستایش، محمدکاظم، طباطبایی حکیم، سید حیدر، «تسامح فضائل نگاران در روایات فضائل اهل بیت (علیهم السلام)»، پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱، پاییز و زمستان، ۱۳۹۳ش.
۵. شاه حسینی، علی، معیار اعتبار سنجی روایات از منظر قدما، راهنما: دکتر هادی حجت، مشاور: استاد سید علیرضا حسینی، قم: دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۹ش.
۶. شهید اول، محمد بن مکی، ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۹ق.
۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی بن أحمد العاملی، الرعاية فی علم الدراية، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی، غایة المراد فی شرح نکت الارشاد، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۲۰ق.
۹. طوسی، محمد بن الحسن، رجال الطوسی، نجف: حیدریه، ۱۳۸۱ق.
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن، فهرست الطوسی، نجف: المکتبة المرتضویة، بی تا.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، الإستبصار، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰ش.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، العدة فی أصول الفقه، تحقیق: محمدرضا انصاری، قم: ستاره، ۱۴۱۷ق.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۱۴. فیض کاشانی، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمومنین علی (علیه السلام)، ۱۴۰۶ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۱۷. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
۱۸. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۵۳ق.



١٩. مجلسی، علامه محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق: رسول محلاتی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ١٤٠٤ق.
٢٠. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقين، قم: بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمدحسین کوشانیپور، ١٤٠٦ق.
٢١. مسعودی، عبدالهادی، درس نامه فهم حدیث، قم: انتشارات زائر، ١٣٨٩ش.
٢٢. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: جامعه مدرسین، ١٤٠٧ق.